

## کرتیر در آینه تاریخ

فاضل دانیالی\*

### اشاره

رابطه دین و دولت در عصر ساسانی یکی از مباحث مفصل تاریخ ایران است. رابطه بین روحانیون زرتشتی و مقامات سیاسی - نظامی، زمینه‌های مناسبی را برای مطالعه تاریخ پژوهان فراهم آورده است. در این مقاله سعی شده نقش یکی از برجسته‌ترین روحانیون عصر ساسانی به نام کرتیر مورد بررسی قرار گیرد شخصیتی که برخی تحولات سیاسی این عصر در اثر نفوذ وی شکل یافت.

### کرتیر و تقویت روحانیت زرتشتی

از کرتیر به عنوان یکی از روحانیون با نفوذ، قدرتمند، هراس انگیز و قشری مذهب که دیانت زرتشتی در زمان او و با تلاشهای او به صورت دینی همگانی و تثبیت شده درآمد نام می‌برند.<sup>۱</sup> تا پیش از کشف و خوانده شدن کتیبه زرتشت واقع در نقش رستم و در زیر کتیبه بزرگ شاهپور اول از وی اطلاعاتی در دست نبود. زیرا از این شخصیت بزرگ در هیچ یک از روایات و نوشته‌های تاریخی که به زبان پهلوی، عربی و فارسی باقی مانده ذکر می‌شود به میان نیامده است و او را نمی‌شناخته‌اند.

تنها پس از کشف کتیبه زرتشت که به همت مأموران مؤسسه شرق شناسی شیکاگو صورت گرفت با خواندن آن توسط شپرنگلینگ و هنینگ و مقایسه با سایر کتیبه‌ها بود که شخصیت کرتیر برای پژوهشگران و محققان شناخته شد.<sup>۲</sup>

\* دانشجوی کارشناسی ارشد - تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

۱ - Zoehner, Zurvanazorostris di lema, (london, oxford, at the clar hdon, press, ۱۹۳۲, p.۵۱).

۲ - لوکونین، ولادیمیر گرگوریوویچ: تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۶۸.

درباره نام کرتیر و معنی آن در نزد پژوهشگران مسائل تاریخی بحث وجود دارد، که برخی آن را نام و برخی آن را لقب می‌دانند.

### کرتیر

در فاصله بین فرمانروایی دو شاپور، تقریباً به غیر از دوره پادشاهی نرسی، ضعف پادشاهان ساسانی موجب چیرگی نجبا، بزرگان و بخصوص مداخله موبدان در امور مربوط به حکومت شد. برقراری نفوذ همه جانبه موبدان و روحانیان زرتشتی در ایران عهد ساسانی، به وسیله کرتیر عملی شد<sup>۱</sup> کرد، که به غلط غالباً به صورت کرتیر نوشته می‌شود، به معنی برنده است (توجه شود به نشان کلاه او که یک قیچی است). او روحانی بلند پایه، مقتدر پر نفوذ و مخوفی است که در ایران پیش از اسلام، پس از شاه تنها شخصی است که از خود سنگ نبشته‌ای بزرگ (بر بدنه کعبه زرتشت در نقش رستم) بر جای گذاشته است.<sup>۲</sup> کریستن سن نام «کرتیر» را ناروشن دانسته است. وی جز از ناروشنی در تلفظ صحیح کلمه معتقد است «کرتیر» نام شخص نیست، بلکه لقب و عنوانی است که به شخصی دارای مقام و منصب عالی داده شده است. نظر دیگری وجود دارد مبنی بر این که «کرتیر» نام شخص است و برجسته‌ترین روحانی عالی مقام کشور پس از درگذشت شاپور اول بوده است.<sup>۳</sup>

هرتسفلد درباره نام و یا عنوان کرتیر بر این عقیده است که نام مذکور عنوان و لقب افتخارآمیزی است که به صاحب عنوان داده شده است. و این عنوان را مختص شخصیت‌های دارای مقام برجسته دانسته است ولی کریستن سن در نظریه هرتسفلد ابراز شک و تردید کرده است.<sup>۴</sup>

۱- زرین کوب، عبدالحسین: *تاریخ ایران باستان*، سمت، تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۲.

۲- رجبی، پرویز: *هزاره‌های گمشده*، انتشارات توس، تهران، ج ۵، ص ۸۵.

۳- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا: *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۶۹.

۴- همان، ص ۱۵۷.

نام کرتیر را وست<sup>۱</sup> به معنی تاج ترجمه کرده، توماس<sup>۲</sup> پیش از وی نیز همین نظریه را داشته ولی اسپرینگ لی<sup>۳</sup> پس از مطالعه و خواندن کتیبه‌های پهلوی دور کعبه زرتشت در سال ۱۹۴۰ میلادی نشان داد که اسم مذکور نام هیربدان هیربد زمان شاپور اول بوده است.<sup>۴</sup>

آتاکارکلیما آن را نام مستعار می‌داند که در قطعات قبلی مانوی، کردل نامیده می‌شود و می‌توان آن را با شخصیت‌های درباری تازی مقایسه کرد که عنوان خلیل یا یمین امیرالمومنین را داشتند.<sup>۵</sup> اما شاید چنان که عده‌ای معتقدند بین علامت قیچی روی کلاه کرتیر در پیکره‌های وی با نام کرتیر و یا لقب و منصب او و قدرت بی‌چون و چرای مذهبیش و اقدامات او در عهد شاهنشاهی شاپور اول، هرمزد اول، بهرام اول و دوم ساسانی ارتباطی وجود داشته، به طوری که بعضی از مورخان آن را علامت خانوادگی وی دانسته‌اند و به این صورت خاندان وی را دوزنده (خیاط) معرفی کرده‌اند. البته این نظر با توجه به وجود نظام کاستی در این دوره پذیرفتنی نیست، چون یک خیاط یا فرزند وی نمی‌توانست به این مرحله از پیشرفت و ترقی برسد. یحیی ذکاء این نشان را در ارتباط با لقب و یا نام کرتیر و کارها و اقدامات وی ذکر می‌کند؛ زیرا در میان واژه‌های «کرتک» و «کرده» و یا «کرت» در پهلوی فارسی و گویشهای ایرانی به معنی بخشی از چیزی یا قطعه زمینی محدود شده و بریده شده از زمینهای پیرامونش می‌باشد. وی با مطرح کردن این نکته که کارد به معنی بریدن است، و کارد نیز که در فارسی همان قیچی است و همان کار را می‌کند، و واژه‌های عربی قرض و مقرض و غیره که در مجموع معنی کندن و بریدن را می‌دهند با واژه کرتیر (چه نام باشد و چه لقب) همبستگی دارد. پروفیسور هینتز نیز قیچی را نشانی می‌داند،

---

۱ - West

۲ - Thomas

۳ - Springlin

۴- سامی، علی: *تمدن ساسانی*، دانشگاه شیراز، ج ۱، صص ۲۸-۳۰.

۵- به نقل از طبری، احسان: *برخی بررسیها درباره جهان بینی‌ها و بینش‌های اجتماعی در ایران*، بی‌نا،

که به صورت استعاری به اعمال قدرت در اخذ تصمیم ارتباط داشته، زیرا کرتیر با سمت بزرگترین داور شاهنشاهی، قادر بر تصمیم‌گیری حتی در پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مسائل بود.<sup>۱</sup>

### کرتیر و شاپور یکم، ترقی مقام کرتیر در زمان شاهان بعدی

ما از دوران اولیه زندگی کرتیر در پیش از شاپور اول اطلاع چندانی نداریم و تنها با استناد به سنگ نبشته وی در کعبه زرتشت می‌توانیم بگوییم که شاپور کرتیر را همواره در مرتبه ساده هیربدی (ایهریت)<sup>۲</sup> که مقام وی در پادشاهی اردشیر بوده نگه می‌داشت.<sup>۳</sup> این لقب نشان می‌دهد که یا او در آن زمان روحانی ساده بوده یا هنوز سلسله مراتب واقعی مذهبی پدید نیامده بود که البته بعدها این وضع تغییر می‌کند.<sup>۴</sup>

در فهرست درباریان شاپور یکم تنها از یک موید یاد شده و آن نیز کرتیر است که جایگاه کوچک «هیربد» را داشت و در فهرست درباریان نام او جزء یکی از آخرین نامها پس از زندانبان و دروازه‌بان کاخ‌شاهی آمده است.<sup>۵</sup> اما وی، به علت سپاس به ایزدان و شاپور شاهنشاه پس از مدتی به عنوان سرپرست انجمن مغان در سراسر کشور انتخاب شد که به این صورت بر اثر فعالیتهای وی «بر کردکان یزدان» (کارهای دینی) افزوده شده و آتشکده‌ها بنا گردید. وقف‌نامه‌هایی برای آتشکده‌ها در نظر گرفته شد حتی اداره بن‌خانه را به وی واگذار کردند. کرتیر در همان زمان وظیفه خود می‌دانست که مدارس علمیه‌ای (هیربدستان) را تاسیس کند.<sup>۶</sup> در اثبات این ادعاها و بیانات، خود کرتیر می‌گوید: «در زمان شاپور یکم سراسر امپراتوری را بررسی کرده به تاسیس آتشکده‌ها پرداخته و به روحانیون پول و شاید قدرت بیشتری داده تا راضی شوند و

۱- یحیی، ذکاء: تندیس مفرغی کرتیر، مجله آینده، سال دوازدهم، (۱۳۶۴)، شماره ۱۲ و ۱۱، ص ۷۳۹.

۲- سامی، علی: همان، ج ۱، صص ۲۸۳-۳۰.

۳- یارشاطر، احسان (گردآورنده): تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، ق ۲، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۰۸.

۴- دریایی، تورج: شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی فاقبفر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

۵- لوکونین، ولادمیر گرگوریویچ: همان، ص ۱۲۷-۱۳۶.

۶- مشکور، محمدجواد: تاریخ سیاسی ساسانیان، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۸۳.

آیین‌ها و شعائر درست دینی را به ایشان آموخته است. او برای هر آتشکده‌ای فرمانی با امضا و مهر خود «کرتیر هیربد» صادر می‌کرده تا به آنها قدرت بیشتری اعطا کند.<sup>۱</sup>

در روزگار شهریاری جانشینان شاپور بود که ترفیع مقام کرتیر آغاز گشت و همین امر موجب بالا رفتن سلسله مراتب مزدایی گردید. نخستین گام در این زمینه را هرمزد اردشیر (هرمزد یکم ۲۷۳-۲۷۲م) برداشت.<sup>۲</sup> هرمزد یکم با اعطای «کلاه و کمر» و اعطای منصب «هرمزد - موبد [موبد اهورامزدا]» او را در ردیف بزرگان دربار قرار داد.<sup>۳</sup> لقب موبد اهورامزدا شاید بیشتر لقبی احترام‌آمیز و پرسپاس بود نه نمودار پایگاهی خاص، دست کم در آغاز امر چنین بوده است.<sup>۴</sup>

هنگامی که هرمزد اردشیر درگذشت بهرام یکم (۲۷۶-۲۷۳)<sup>۵</sup> به جای برادر مهترش نرسه به تخت بر آمد و بهرام یکم احتمالاً این پیروزی را در سایه پشتیبانی کرتیر به دست آورد.<sup>۶</sup> چرا که در زمان بهرام یکم مشاهده می‌کنیم که این شاه افتخارات بسیاری به کرتیر اعطا کرده است. نخست این که، کرتیر به مقام نیرومندترین فرد می‌رسد، دوم این که، قاضی القضاة (دادور = داور) سراسر امپراتوری می‌شود. این انتصاب، خود نشان دهنده آن است که از آن زمان قضاة از میان روحانیون انتخاب شدند. سوم این که، به مقام تولیت آتشکده آنهایتا در استخر دست می‌یابد. در این زمان تغییری رخ می‌دهد؛ این پایگاه قدرت، به کلی در اختیار یک روحانی قرار می‌گیرد و از این رو در اواخر سده سوم میلادی دگرگونی بزرگی در وظیفه شاه از سویی و اهمیت و صعود سازمان حرفه‌ای مذهبی و سلسله مراتب آن از سوی دیگر رخ می‌دهد.<sup>۷</sup> در زمان این پادشاه،

۱- دریایی، تورج: همان، ص ۶۸

۲- یارشاطر، احسان: همان، ص ۳۰۸.

۳- زرین کوب، عبدالحسین: همان، ص ۲۷.

۴- فرای ریچارد: تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجبینیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۸۵.

۵- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۵، ص ۳۱۸.

۶- یارشاطر، احسان: همان، ج ۳، ق ۲، ص ۳۰۹.

۷- دریایی، تورج: همان، ص ۷۰.

کرتیر، مانی را برای دین زرتشت خطرناک می‌انگاشته به همین خاطر با نفوذش<sup>۱</sup> منجر به توقیف و محاکمه وی گردید. محاکمه‌اش چهار روز طول کشید. سپس او را زنجیر کشیده و ۲۶ روز در زندان نگاه داشتند و پس از روزها آزار و شکنجه او را کشتند.<sup>۲</sup> به دنبال قتل مانی، کرتیر به تعقیب و آزار مانویان پرداخت و آنان را قلع و قمع کرد<sup>۳</sup> و زمینه را برای نفوذ بیشتر آیین زرتشتی هموار نمود و دین زرتشتی را به ادعای لوکونین که تا آن زمان رسمی نشده بود، آیین رسمی کشور نمود.<sup>۴</sup>

مقدسی می‌نویسد: «کرتیر نفوذ فوق العاده‌ای بر بهرامک (دوم) داشته است. بهرام ریاست معبد آناهیتا را به کرتیر داد و سرانجام او را موبدان موبد نامید و به نوشته خود کرتیر امور قضایی کشور را به او سپرد».<sup>۵</sup> پایه و جایگاه کرتیر به هنگام شاهی بهرام دوم به اوج و کمال رسید: «برای رضای خاطر اهورامزدا و ایزدان و به خاطر روان خویش مرا در کشور پایه و قدرتی بزرگ بخشید و جایگاه قدرت بزرگم از اوست. و او مرا در همه کشور آدون بد (آدون پت advehpat بخش‌کننده هدایا میان پرستشگاه‌ها) و پرستار...، پرستشگاه آتش آناهیتا اردشیر و ایزد آناهیتا کرد».<sup>۶</sup>

کرتیر در کتیبه خویش می‌گوید: «از پادشاه (بهرام دوم) لقب رهاننده روان بهرام یافته و نیز سپاسهای دیگر مانند پایگاه بزرگان و داور عالی امپراتوری و سالار آرامگاه دودمانی در استخر و سرور مجریان آیینها در پرستشگاه آناهیتا به او اعطا شده است».<sup>۷</sup>

۱- همان، ص ۷۷.

۲- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود: *اخبار الطوال*، ترجمه صادق نشات، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۴۷.

۳- زرین کوب، عبدالحسین: همان، ص ۳۲.

۴- رجیبی: همان، ج ۵، ص ۵۸.

۵- رجیبی، پرویز: به نقل از مقدسی، همان، ج ۵، ص ۱۳۳.

۶- لوکونین: همان، صص ۱۴۱-۱۴۰.

۷- قرای، ریچارد: همان، ص ۳۶.

دادن لقب پرستار آتشکده آناهیتا - اردشیر در استخر و ایزد بانو آناهیتا - به کرتیر نشان می‌دهد که بهرام دوم سنت همه نیاکانش را که به احتمال زیاد نسل اندر نسل مقام موبد آناهیتا در استخر را میراث می‌بردند زیر پا نهاده بود. احتمال می‌رود که برای نخستین بار از زمان برآمدن دولت ساسانی این لقب روحانی بسیار مهم از قدرت شاهی جدا گردید. شاید این در شخص کرتیر اوج فرآیندی تدریجی بود که گویا وی با پشتکار موجبات بنیاد یافتن دستگاه دینی مزدایی به مثابه قدرتی مستقل را فراهم آورد. مناسبات میان تاج و تخت و آتشگاه احتمالاً وارد مرحله تازه‌ای می‌شده است.<sup>۱</sup> شاهنشاهان ساسانی در نتیجه مبارزه و کوشش کرتیر قدرت دینی و قدسی خود را از دست دادند، اما این امر در آن زمان آشکار نبود.<sup>۲</sup> و نرسی توانست این مقام را دوباره به شاهنشاه برگرداند که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

تاریخ دینی ایام پادشاهی هرمزد و دو بهرام مشحون از قدرت نمایی کرتیر است که احتمالاً در پشت سلطنت ظاهری بهرام دوم قدرت واقعی در دست او بوده است.<sup>۳</sup> پیش از آن که به بحث کرتیر و نرسی پرداخته شود لازم است شرحی درباره کتیبه‌های کرتیر داده شود.

### کرتیر و کتیبه‌های وی

همه کتیبه‌های کرتیر در روزگار پادشاهی بهرام دوم پدید آمد. از این کتیبه‌ها مشخص می‌شود که کرتیر نماینده بزرگ مذهبی و (نگهبان روان) شاه جوان بود.<sup>۴</sup> این نکته که به کرتیر اجازه داده شده بود چهار کتیبه درباره خدمات خویش به کشور و دین در جایی که بیشتر تنها و تنها جایگاه کتیبه‌ها و نقشهای شاهی بود پدید آورد، نموداری است روشن از نفوذ «موبد اهورامزدا» در دربار ساسانی.<sup>۵</sup> چرا که کرتیر یگانه فرد بیرون از خاندان سلطنتی است که اجازه یافته شرح احوال و کردار خود را بر سنگ بنویسد. یعنی کاری که فقط به شاهان یا احتمالاً شاهزادگان ایرانی

۱- یارشاطر، احسان: همان، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲- دریایی، تورج: تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد دیزجی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۳- یارشاطر، احسان: همان، ج ۳، ق ۱، ص ۲۲۹.

۴- لوکونین، ولادیمیر گرگوییچ: همان، ص ۱۷۵.

۵- مشکور، محمد جواد: همان، صص ۱۱-۱۱۰؛ لوکونین ولادیمیر گرگوییچ: همان، ص ۱۷۵.

اختصاص داشته است. کرتیر برای آن که مطمئن شود که شغل و عقایدش فراموش نخواهد شد در چهار کتیبه از خود یاد نموده است.<sup>۱</sup> این کتیبه‌ها عبارتند از: ۱- کتیبه سرمشهد که مشابه نوشته دیگر در نقش رستم است و از زحماتی که برای استحکام دین زرتشت متحمل شده و موفقیت‌هایی که در این راه نصیبش گردیده سخن می‌راند. کیفر بزهکاران و پاداش نیکوکاران و کشف و شهودی که برای وی در عالم رویا دست داده سایر مطالب این کتیبه بزرگ را تشکیل می‌دهد. مضامین این کتیبه با مضامین کتیبه‌های پهلوی نقش رستم و نقش رجب - متعلق به زمان شاپور و کرتیر موبدان موبد - یکسان می‌باشد.<sup>۲</sup>

۲- کتیبه نقش رستم پشت سر نقش شاپور و والرین. ۳- کتیبه‌ای در ذیل کتیبه پهلوی شاپور بر بدنه کعبه زرتشت.<sup>۳</sup> ۴- کتیبه‌ای در نقش رجب در فارس همراه نیم‌تنه‌ای از کرتیر.<sup>۴</sup>

کتیبه‌های کرتیر دال بر کوششی است که روحانیون آن زمان برای اشاعه و رونق زبان فارسی و تعمیم آن در سراسر قلمرو حکومتی از خود نشان داده‌اند.<sup>۵</sup>

همه اینها کافی است تا معلوم شود که بهرام دوم وی را ارج می‌نهاد و همه این القاب و عناوین را در زمان بهرام دوم به دست آورد. دلیل دیگر این‌که، بهرام دوم هنگام بر تخت نشینی از سن کمی برخوردار بود، لذا همه کاره کرتیر بود از این رو وی به اوج نفوذ خود در زمان این پادشاه دست یافت. شواهد دیگر مانند کتیبه‌هایش نیز این گفته را تایید می‌نماید.

کرتیر مدعی است که راست دینی ایرانی را در مناطق آسیای صغیر و سوریه که در گذشته در دست ایرانیان بوده است از نو برقرار ساخته است: «همچنین به دین مزدیسن و مغان خوب، احترام و اقتدار در سرزمین اعطاء کردم. کفار یا افراد منحرف در جامعه مغان را که در موضوعات مربوط به دین مزدیسن و مناسک ایزدان، زندگی ناپسندی را پیش گرفته بودند، من سرزنش و

۱ - frye. Richard, *History and sasán inscriptions*, aprile, ۱۹۷۰. P. ۲۱۷. ۲۱.

۲- سامی، علی: همان، ج ۱، صص ۲۹-۲۸.

۳- همان، ص ۳۰.

۴- فرای، ریچارد: همان، ص ۴۶.

۵- سامی، علی: همان، ج ۱، ص ۵۴.



تویخ کردم. آنها بهبود یافتند و من فرامین و حقوقی برای آتش‌ها و مغان بی‌شمار صادر نمودم. به یاری ایزدان و شاه شاهان تعدادی آتش و رهران در ایران بنیان نهادم.<sup>۱</sup>

ازدواج با محارم را رواج دادم.<sup>۲</sup> آنها که پیروی از دیوان می‌نمودند به راهنمایی من به سوی یزدان بازگشتند. افسر از سر بسیاری از تاجداران برگرفته شد، کیش و آئین رونق و جلال یافت و امر خدا بر همه جا سایه افکن شد. اگر تمام کارهایی را که انجام گرفته بنویسم بسیار به درازا خواهد کشید. سپس می‌گویم که به هر جا که ارتش شاهنشاهی قدم گذاشت آتشکده‌ای در آن بر پا شد... در «انطاکیه»، «تارس»، «کیلیکیه»، «کاپادوکیه»، «ارمنستان»، «گرجستان» و حتی در اراضی اشغالی آن‌ها معابد و آتشکده‌ها بنا کردم.<sup>۳</sup>

با ساختن معابد جدید در سراسر مملکت و مرمت و تجدید نیروی معابد عهد هخامنشی، دیری نپایید که سراسر ایران زیر پوشش قدرت معنوی مذهب قرار گرفت، ثروتهای بیکران خزان معابد که از طریق مالیات‌های گوناگون مذهبی، نذور و صدقات مردم و هدایای شاهنشاهان و شاهزادگان و اشراف گردآوری می‌شد، و هر روز بر مقدار آن افزوده می‌گردید، به تدریج معبد را از صورت یک مکان مقدس خارج ساخت، و به صورت محل تجمع ثروت و یا بهتر گفته شود یکی از مراکز عمده اقتصادی درآورد.<sup>۴</sup>

چون بهرام دوم درگذشت (۲۹۳م)، پسرش بهرام سکانشاه با حمایت کرتیر به نام بهرام سوم بر تخت نشست. اما سلطنت او چیزی حدود چهار ماه بیشتر به طول نینجامید و مخالفانی که از حکومت پدرش و نفوذ کرتیر در کارها ناراضی بودند، به رهبری نرسی او را از سلطنت برکنار کردند.<sup>۵</sup>

۱- گیمن، دوشن: *دین ایران باستان*، ترجمه رویا منجم، فکر روز، تهران، ۱۳۷۵، صص ۳۳۰-۳۳۴.

۲- رجبی، پرویز: *همان*، ج ۵، ص ۱۳۳.

۳- ماسه و جمعی از همکاران: *تاریخ تمدن ایران*، ترجمه جواد محیی، کتابفروشی فریدون علمی، تهران، بی‌تا، ص ۱۹۴.

۴- بیانی، شیرین: *دین و دولت در عهد ساسانی*، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۳۹.

۵- گیمن، دوشن: *همان*، ص ۳۰.

با آغاز سلطنت نرسی قدرت کرتیر احتمالاً کاهش یافت، بویژه که در این دوره می‌بایست بسیار پیر شده باشد. نرسی نه تنها در کتیبه خود در پایکولی از اورمزد (اهورامزدا) یاد می‌کند بلکه از ناهید نیز نام می‌برد و این نمایانگر علاقه ویژه او به ایزد ناهید است که نیایش اردشیر قدرت خود را مرهون او بود.<sup>۱</sup> نرسی کیفیت تاجگذاری و سلطنت خداداد خود را بر تخته سنگ نقش رستم حجاری کرده است و این همان شیوه معروف قدیم است، یعنی پادشاه حلقه نوآردار را، که علامت سلطنت است، از دست خداوند می‌گیرد، خدا در این کتیبه به صورت زنی است که گمان می‌رود آناهیتا باشد.<sup>۲</sup> این نشان می‌دهد که نه تنها به پرستش این ایزد دوباره اهمیت می‌بخشید بلکه توجه خود را به آتشکده استخر که در دست کرتیر و دار و دست‌اش بود نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> در اینجا دیگر از حضور کرتیر خبری نیست، زیرا ستاره او رو به افول گذاشته است. این افول را می‌توان کار مشترک نرسی و پاپک دانست. نرسی هنوز کاملاً تخت خود را استوار نکرده بود، که در نبشته خود در پایکولی با حذف عنوان‌هایی که بهرام دوم به کرتیر داده بود از او به نام کرتیر هرمزد - موبد یاد می‌کند.<sup>۴</sup> در اینجا سئوالاتی مطرح است:

چرا نام کرتیر در تاریخهای عربی و فارسی دوره اسلامی و حتی در نوشته‌های پهلوی دیده نمی‌شود در حالی که شناخت ما بیشتر همان کتیبه‌های چهارگانه بالا می‌باشد؟ و آیا نرسی عامل اصلی حذف کرتیر بوده یا خیر؟ در حالی که نرسی نسبت به اقلیتهای دینی امپراتوری سیاست آزادمنشانه‌ای را دنبال می‌کرد که شباهت نزدیکی به روش پدرش داشته است.<sup>۵</sup>

بسیاری از محققان (مورخین) بر این باورند که او فراموش شده بود، زیرا نرسی با این حامی سرسخت بهرام مخالف بود و وقتی که به قدرت رسید یادبودها و کارهای کرتیر را نابود کرد. ما می‌دانیم که نام نرسی به جای بهرام در بیشاپور جایگزین شده بود. اما غیر از این، نرسی با دیگر

۱- دریایی تورج: *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌نفر، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۶.

۲- کریستین سن، آرتور: *همان*، ص ۳۲۶.

۳- دریایی، تورج: *همان*، ص ۷۶.

۴- رجی، پرویز: *همان*، ج ۵، ص ۱۵۱.

۵- یارشاطر، احسان: *همان*، ج ۳، ق ۱، ص ۲۱۹.

عقاید بهرام و با کرتیر برخورد نکرد. هنگامی که به بررسی آثار ناقص و از بین رفته کتیبه‌هایی پایکولی می‌پردازیم ممکن است چنین نتیجه بگیریم که کرتیر به عنوان دشمن نرسی به نظر نمی‌رسد، بلکه به عنوان هوادارانی است مانند بابک بیدخش، اردشیر هزار پت و رخس اسپهبد (در خط ۱۵ m.p) که همه آنها از هواداران نرسی در خط ۶ m.p به شمار می‌آیند، محسوب می‌شود. اگر نرسی، کرتیر را سرکوب نمی‌کرد چگونه می‌توانستیم دلیل عدم ذکر کرتیر در متون ادبی فارسی را توجیه کنیم؟ نمی‌توان ادعا کرد که یک تغییر سیاسی نفوذ این مغ قدرتمند را کاهش داده باشد مگر این که نرسی به او ضربه‌ای وارد کرده باشد. و فرمانروای بعدی با مظاهر و کارهای کرتیر مخالف نموده باشد. از آن جا که کار کرتیر اساساً مذهبی بود می‌توان احتمال داد که یک تغییر مذهبی در طی تاریخ ساسانیان باعث حذف کرتیر شده باشد یا کار کرتیر تحت عنوان دیگری «تسنر»، حفظ شده یا در آثار باقی مانده باشد. به هر حال باید تمام احتمالات را مورد بررسی قرار دهیم.

به نظر می‌آید که کرتیر به عنوان (موبدان موبد) از حاکمان هدایای بسیاری را دریافت کرده است؛ اما خود پرستی او نتوانسته بود جای او را در سنت آتشکده‌های زرتشتیان تثبیت کند. خلاصه آن که کرتیر یک مغ سیاسی بود که اساساً اهمیت او واجد جنبه سیاسی است، اما به عنوان یک مغ او نمی‌توانست با حاکمان و وزراء یا ... که نامهایشان در طی قرن‌ها در منابع باقی مانده رقابت کند (تصادفاً نام کرتیر ممکن است در تاریخ تحریف شده باشد. مثلاً طبری نام موبدان موبد اردشیر را به عنوان پاهر ثبت کرده است). اگر چه کرتیر تحت حکومت بهرام اول و دوم رشد نمود و اوج گرفت تا در زمان اردشیر، من تمایل ندارم که صداقت مذهبی این مغ را انکار کرده یا آن را کوچک شمارم، اما نمی‌توانم هیچ نقشه‌ای را برای از بین بردن خاطره او در دوره ساسانیان پیدا کنم. من تنها می‌توانم بگویم که صرف گذشت زمان باعث این کار نشده است.<sup>۱</sup>

چنین به نظر می‌رسد که نرسی عامل عمده کم رنگ شدن کرتیر در آثار نبوده است. اگر نرسی اقدامی علیه کرتیر انجام داد به خاطر این بود که کرتیر بیشتر فرد سیاسی بوده تا مذهبی.

۱ - Frye, Richard. *History and sasanian inscription op.cit*, P.P.۲۱۷-۲۱۸.

چنان که از منابع برمی آید نرسی تسامح دینی داشت و این تسامح تا زمان شاپور دوم به نوعی ادامه داشت پس نرسی نمی توانست کرتیر را به خاطر نفوذ دینی از کار بر کنار کند. احتمال می رود این نفوذ سیاسی که از طریق دین به دست آورده بود عاملی در برداشتن کرتیر بوده باشد. این احتمال که کرتیر با نام دیگر در منابع اسلامی یا پهلوی ذکر شده باشد زیاد است. اگر ما بتوانیم دلایلی داشته باشیم که کرتیر همان تنسر بوده است خیلی از مسائل مبهم حل خواهد شد. از این طریق می توانیم یقین حاصل کنیم که تنسر در زمان اردشیر مغانی ساده نبوده و این ابرسام بود که در زمان اردشیر نفوذ زیادی داشته است.

چگونه ممکن است کرتیر که در چهار کتیبه از خودش یاد کرده است در منابع اسلامی از او یاد نشده باشد. ترس کرتیر از چه بوده که در چهار کتیبه از خود یاد می کند. به خاطر جاودانی خود و کارهایش بوده یا مسائل دیگر؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## کتابنامه

- ۱- بیانی، شیرین: *دین و دولت در عهد ساسانی*، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- پیگولوسکایا، پینا ویکتوروننا: *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- دریایی، تورج: *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ناقبفر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود: *اخبار الطوال*، ترجمه صادق نشات، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶.
- ۵- ذکاء، یحیی: *تندیس مفرغی کرتیر*، مجله آینده، سال دوازدهم، (۱۳۶۴)، شماره ۱۲ و ۱۱.
- ۶- رجبی، پرویز: *هزاره‌های گمشده*، انتشارات توس، تهران، ج ۵.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین: *تاریخ ایران باستان*، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸- سامی، علی: *تمدن ساسانی*، دانشگاه شیراز، بی تا.
- ۹- کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.
- ۱۰- گیمن، دوشن: *دین ایران باستان*، ترجمه رویا منجم، فکر روز، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۱- لوکونین، ولادیمیر گرگوریچ: *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۲- فرای، ریچارد: *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۳- frye. Richard, *History and sasin inscriptions*, aprile, ۱۹۷۰.
- ۱۴- طبری، احسان: *برخی بررسیها درباره جهان بینی‌ها و بینش‌های اجتماعی در ایران*، بی تا، ۱۳۴۸.
- ۱۵- ماسه و جمعی از همکاران: *تاریخ تمدن ایران*، ترجمه جواد محیی، کتابفروشی فریدون علمی، تهران، بی تا.
- ۱۶- مشکور، محمدجواد: *تاریخ سیاسی ساسانیان*، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱.
- ۱۷- یارشاطر، احسان (گردآورنده): *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، ج ۳، ق ۲، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.